

به نام خدا

**کودتای نافرجام در اردن؛
اهداف عربستان برای تقویت نقش رهبری خود در جهان اسلام و
عادی سازی روابط با اسرائیل**



الف) طرح مسئله

انتشار خبر دستگیری برخی از مقامات سابق و فعلی اردن و در رأس آنها دو تن از مقامات دارای ارتباطات ویژه با عربستان (شریف بن حسن، فرستاده ملک عبدالله نزد عربستان و باسم عوض الله، رئیس سابق دیوان پادشاهی) در سوم آوریل سال جاری، اردن را به مرکز اخبار امنیتی منطقه تبدیل کرد. اهمیت ویژه این تحول وقتی نمایان شد که این مسئله تلاش برای کودتا به رهبری حمزه بن حسین (برادر ملک عبدالله و ولیعهد سابق) عنوان شد، هرچند دولت اردن با مدیریت تحولات، اتهام این افراد را فقط تلاش برای بی ثبات سازی اردن تعبیر کرد و سخنی از کودتا به زبان نیاورد؛ درعین حال، محافل اطلاعاتی و رسانه‌ای منطقه، تحولات اردن را تلاش برای کودتا نامیدند و برخی از طرف‌های منطقه‌ای (عربستان، امارات و رژیم صهیونیستی) را طراح اصلی آن دانستند.

تنها چند روز پس از اعلام این خبر، با وساطت افراد متنفذ در خاندان سلطنتی (به‌ویژه امیرحسن بن طلال ولیعهد اسبق و برادر ملک حسین، پادشاه سابق) شاهزاده حمزه ضمن رد اتهام کودتا، وفاداری خود نسبت به ملک عبدالله را اعلام کرد. امیرحسن ۷۴ ساله، خود سرنوشتی مشابه امیر حمزه دارد؛ او نیز پس از ۳۴ سال ولایت‌عهدی در زمان ملک حسین در واپسین روزهای عمر پادشاه سابق از ولیعهدی کنار گذاشته شد و عبدالله پادشاه فعلی جایگزین عموی خود شد. ولی امیر حسن هیچگاه برای تضعیف پادشاهی برادرزاده اقدامی نکرد و برعکس در تثبیت حاکمیت ملک عبدالله سهم عمده‌ای ایفا کرد. او در حال حاضر به‌عنوان بزرگ خاندان هاشمی، واسطه برقراری صلح میان دو برادر (ملک عبدالله و امیر حمزه) شده است.

حکومت اردن از دامن زدن به اخبار مربوط به کودتا به‌شدت پرهیز دارد و نمی‌خواهد سخن گفتن از کودتا و دلایل آن به امری عادی در کشور تبدیل شود. به همین دلیل، دولت اردن در اولین موضع‌گیری ضمن انتشار محتاطانه خبر دستگیری متهمان، از به‌کار بردن اتهام کودتا در مورد آنان خودداری کرد و به‌جز اسامی سه نفر از عناصر مشهور، نام دیگر متهمان (که برخی از آنها از مقامات دستگاه امنیتی اردن بودند)، برده نشد. همچنین دادستانی اردن بلافاصله ابتکار عمل را در دست گرفت و ممنوعیت هرگونه درج خبر یا اطلاعات از این پرونده در همه رسانه‌ها و حتی شبکه‌های اجتماعی را اعلام کرد.

معاونت مطالعات
سیاسی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۶۰۱۷۴۶۹

تاریخ انتشار:

۱۴۰۰/۱/۲۳



به‌هرحال ممنوعیت سخن گفتن از کودتا و آرام شدن فضای سیاسی اردن، به‌معنای پایان بحران و دلایل یا ریشه‌های آن نیست و اردن از این پس با مسئله تعارض و مخالفت با حاکمیت و ناکارآمدی آن برای حل معضلات و مسائل کشور روبه‌رو خواهد بود. پیش از این، دستگاه حاکمیت و سلطنت در اردن تلاش می‌کردند، مسئولیت ناکارآمدی‌ها و مشکلات کشور را برعهده دولت و نخست‌وزیر (و نهایتاً) پارلمان تعبیر کنند و شاه اردن نیز با زیرکی تمام، خودش را در مقام منتقد دولت‌ها وانمود می‌کرد. اگرچه شاهزاده حمزه اتهام کودتا یا تلاش برای براندازی ملک عبدالله را رد کرد ولی، انتقادهای تندی که در مواضع چند روز گذشته‌اش علیه ناکارآمدی و فساد، مستقیماً متوجه دستگاه سلطنت کرده بود را پس نگرفت و این مسئله فتح بابی شد برای اینکه مخالفان حکومت در آینده با عبور از نخست‌وزیر و پارلمان، مستقیماً علیه پادشاه مواضع خود را بیان کنند.

مسئله مهم‌تر نقش بازیگران منطقه‌ای در طراحی این کودتاست. پس از اعلام نافرجام ماندن کودتا، بلافاصله عربستان سعودی با عجله، از ناکامی این توطئه اعلام خرسندی کرد و حمایت خود را از ملک عبدالله ابراز کرد. شاید این سرعت عمل عربستان، به‌دلیل انتشار اولین خبرها از توطئه کودتا در اردن باشد که طی آن نقش عناصر و مقامات اردنی مرتبط با سعودی را برجسته عنوان کردند. علاوه بر اطلاعات دستگاه‌های امنیتی و وابستگی دستگیرشدگان به عربستان، وجود اختلاف‌نظرهای آشکار و پنهان میان حاکمان فعلی سعودی (ملک سلمان و محمد بن سلمان) با رویکردهای منطقه‌ای ملک عبدالله اردن به‌ویژه در مسئله معامله قرن، موضوع فلسطین و روند عادی‌سازی، خود به خود انگشت اتهام را متوجه عربستان سعودی می‌کند. رژیم اشغال‌گر صهیونیستی نیز در موضوع‌های فوق، منافع نزدیک‌تری با مواضع آشکار و پنهان سعودی‌ها دارد.

البته رژیم صهیونیستی با خون‌سردی بیشتری نسبت به عربستان، موضع خود در حمایت از ملک عبدالله را بیان کردند و تلاشی برای رفع اتهام از خود نکردند. وزیر دفاع رژیم صهیونیستی این موضوع را مسئله داخلی اردن خواند و البته گفت در صورتی که اردن بخواهد، کمک خواهند کرد.

آمریکا حمایت کامل خود از ملک عبدالله را اعلام کرد. حمایت آمریکا از ملک عبدالله، تردید در دولت، پارلمان و خاندان هاشمی در خصوص ریشه بین‌المللی بحران را از میان برد. سایر دولت‌های عربی، منطقه‌ای و اروپایی در کنار روسیه نیز از پادشاهی اردن و ثبات در این کشور حمایت کردند.

ب) تحلیل و ارزیابی

ماهیت واقعه

در بیان ماهیت واقعه و اینکه آیا کودتایی در حال رخ دادن بود یا خیر، باید گفت، هیچ نشانه قوی که حاکی از وقوع کودتا در اردن باشد، مشاهده نمی‌شود. این مسئله واضح است که مخالفت‌ها و دشمنی‌های موجود در خاندان سلطنتی در سال‌های گذشته رو به تزايد بوده است و زخم‌خوردگان موضوع ولایت‌عهدی درصدد اقدام انتقامی بوده‌اند ولی، وقوع کودتا و موفقیت آن در اردن نیازمند همراهی بخش مهمی از ارتش و دستگاه امنیتی است. این در حالی است که هم ارتش و هم دستگاه امنیتی اردن، در موارد مختلف نشان داده‌اند که میزان قابل قبولی از وفاداری به پادشاه را دارند و وضعیت ملک عبدالله از این جهت خوب است.

ازسوی‌دیگر، تجاربی که از حوادث ۱۰ سال گذشته در کشورهای عربی به‌دست آمده، موجب شده است که شیوخ قبایل اردنی (به‌عنوان یک طبقه اجتماعی مؤثر) و اخوان‌المسلمین (به‌عنوان یک طبقه سیاسی - اجتماعی)، همچنین قاطبه جمعیت اردن (که

فلسطینی‌الاصل هستند)، ثبات در اردن (به‌ویژه در موضوع پایداری سلطنت) را بر عدم استقرار ترجیح دهند و روند موجود از نظر آنان، نسبت به مخاطرات عبور از وضعیت فعلی به وضعیت نامعلوم و بی‌ثبات، بهتر و قابل قبول‌تر باشد.

بر این اساس باید گفت، شاهزاده حمزه و همراهان وی یک طرح بلندمدت‌تری را در دستور کار داشتند؛ شاهزاده حمزه تا حدودی در میان جوانان و قبایل از محبوبیت برخوردار است و او به‌طور مرتب به میان آنان می‌رود. این امر از سوی دربار اردن به‌عنوان اقدام علیه ثبات پادشاهی با تصرف پایگاه‌های مردمی حکومت تفسیر می‌شود. نکته بعدی این است که برخی از مواضع درز کرده در رسانه‌ها نشان می‌دهد، شاهزاده حمزه و همراهان وی بیشتر از اینکه روی کودتای یک‌شبه کار کرده باشند، روی یک طرح اجتماعی - سیاسی برای تحت فشار قرار دادن پادشاه از طریق اعتراضات مردمی کار می‌کردند تا جایگاه ملک عبدالله را تضعیف و زمینه برای جابه‌جایی را فراهم کنند. طرح آنان تبدیل امیر حمزه به نماد مخالفان حکومت بود و حاکمیت اردن با پیش‌دستی، طرح آنها را قبل از رسیدن به بلوغ لازم در نطفه خفه کرد. حکومت اردن در شرایط کنونی که با نارضایتی‌های جدی مردم در حوزه‌های معیشتی، بیکاری و مقابله با همه‌گیری کرونا مواجه است، هرگونه اعتراض را به‌مثابه تهدید امنیتی در نظر می‌گیرد تا معترضان را از بیان اعتراض خود منصرف کند.

نقش عربستان و رژیم صهیونیستی

عربستان و رژیم صهیونیستی هر کدام به دلایل و منویاتی (که همپوشانی زیادی هم با یکدیگر دارند)، حاکمیت فعلی اردن و شخص ملک عبدالله را مانع اجرای اهداف و سیاست‌های منطقه‌ای خود به‌ویژه درباره مسئله فلسطین و مسجدالاقصی می‌دانند.

با روی کار آمدن ملک سلمان در عربستان و به قدرت رسیدن ترامپ در آمریکا، طرح معامله قرن مطرح شد و ابعادی از آن در صحنه عملی کلید خورد. بخشی از این طرح مربوط به «وطن جایگزین» برای قسمتی از جمعیت فلسطین، واگذاری دره رود اردن (اغوار اردن) به رژیم صهیونیستی (که براساس قرارداد صلح وادی عربیه به رژیم صهیونیستی اجاره داده شده است) و واگذاری تولید مسجدالاقصی به یک مکانیزم جدید زیر نظر عربستان (و گرفتن این امتیاز از خاندان هاشمی اردن) بود. بر این اساس، اردن و خاندان هاشمی بعد از فلسطینی‌ها از متضررین اصلی و راهبردی این طرح به‌شمار می‌روند و از این‌رو مخالفت اردن با ارکان این طرح، یک مخالفت راهبردی، و نه تاکتیکی، بوده است. اگرچه با کنار رفتن ترامپ از قدرت در آمریکا، اجرای همه ابعاد طرح معامله قرن، با تردید مواجه است و دولت دمکرات آمریکا، متمایل به اجرای طرح دو دولت در سرزمین‌های اشغالی فلسطین است ولی، بدون شک ابعادی از معامله قرن به روندی در حل و فصل مسئله فلسطین تبدیل شده و بسیاری از مؤلفه‌های آن به‌عنوان امتیازات ویژه برای رژیم صهیونیستی، نمی‌تواند از سوی دولت آمریکا نادیده انگاشته شود.

در بخش‌هایی از طرح معامله قرن که قرار است اردنی‌ها هزینه بدهند، علاوه بر رژیم صهیونیستی، عربستان سعودی نیز منویات جدیدی پیدا کرده است. محمد بن سلمان نسبت به موضوع اخذ تولید مسجدالاقصی طمع ورزیده و تحقق این هدف را تکمیل نقش رهبری عربستان در جهان اسلام و زمینه مهمی برای کنار زدن رقبا قلمداد می‌کند. مضافاً بر اینکه عربستان سعودی در صورتی که تولید مسجدالاقصی را به‌دست گیرد، با نمایش ظاهری حل و فصل موضوع قدس به‌نفع جهان اسلام می‌تواند با کمترین مخالفت‌ها در جهان اسلام و با کمترین هزینه، روابط خود را با رژیم صهیونیستی عادی کند و در حل و فصل نزاع فلسطینی - صهیونیستی محوریت یابد.

تحقق اهداف فوق برای عربستان با حضور ملک عبدالله و سیستم فعلی حاکمیت در اردن با دشواری‌های زیادی روبه‌رو است. ملک عبدالله این توانمندی را دارد تا با به‌کارگیری دو ابزار مهم سیاست داخلی و سیاست خارجی این روند را به چالش بکشد و با طرح مزبور مخالفت جدی کند. در حوزه سیاست داخلی، با توجه به مخالفت اسلام‌گرایان و اخوانی‌های اردن با ابعاد طرح معامله قرن، ملک عبدالله از توانمندی لازم برای هم‌افزا کردن مخالفت‌ها در این زمینه برخوردار است. در حوزه سیاست خارجی، دولت بایدن بیشتر متمایل به راه‌حل دو دولت است و روی نقش اردن در این زمینه حساب می‌کند؛ لذا ملک عبدالله از این ابزار نیز برای مخالفت با منویات عربستان در خصوص تولیت مسجدالاقصی و سرنوشت فلسطینی‌ها استفاده خواهد کرد. این مسائل موجب شده است که محمد بن سلمان، پادشاه اردن را مانع تحقق آرمان‌های خود در این حوزه قلمداد کند.

پادشاهی اردن با درک راهبردی از این مسائل، در سال‌های اخیر تلاش کرده است وابستگی مالی خود به عربستان را کاهش دهد و در این راستا، طرح‌هایی را برای توسعه درآمدهای خود با بهره‌گیری از فرصت ترانزیتی در مسیر آبی - خاکی میان عراق و مصر در دستور کار قرار داده است. قرارداد شراکت راهبردی مصر - اردن - عراق و توسعه همکاری‌های سه‌جانبه، از سوی عربستان مغفول واقع نشده و حساسیت ریاض را برانگیخته است.

لذا بسیاری از کارشناسان مسائل شامات، ارتباط و وابستگی عوامل و عناصر دستگیر شده واقعه اخیر اردن به سعودی‌ها را دلالت مهمی برای نقش عربستان در این موضوع تلقی می‌کنند. البته حکومت اردن به‌دلیل اینکه همچنان به کمک‌های مالی عربستان وابسته است و از گسترش نامطلوب تخاصم با این کشور پرهیز دارد، در خصوص نقش سعودی‌ها در توطئه اخیر سکوت می‌کند.

در این سوی ماجرا، رژیم صهیونیستی نیز تضعیف پادشاهی اردن را در راستای منافع خود می‌داند. حاکمیت متزلزل در اردن مسیر اشغال دائمی اغوار اردن را تسهیل می‌کند و رژیم صهیونیستی می‌تواند به‌راحتی دره رود اردن را به سایر سرزمین‌های اشغالی ضمیمه کند؛ مانند اقدامی که در خصوص جولان اشغالی سوریه انجام داد و به تأیید دولت ترامپ نیز رساند. رژیم صهیونیستی نیز در مسئله تحقق منویات عربستان، منافع مشترک دارد؛ چراکه تحقق اهداف عربستان در موضوع اردن، سعودی‌ها را بیشتر از گذشته در مسیر عادی‌سازی روابط قرار خواهد داد.

سخن آخر

در مجموع به‌نظر می‌رسد، ناپختگی مخالفان داخلی، تعجیل طرف‌های خارجی (به‌ویژه سعودی‌ها) و پیش‌دستی حکومت اردن باعث شد، طرح مخالفان ملک عبدالله قبل از رسیدن به بلوغ لازم از میدان به در شود.

در ارزیابی ماجرای توطئه علیه پادشاهی اردن، ارکان اصلی تحلیل، تضاد منافع میان عربستان و اردن در سه مسئله تولیت مسجدالاقصی، حل‌وفصل نزاع فلسطینی - صهیونیستی بر پایه راه‌حل دو دولت یا راه‌حل مدنظر در طرح معامله قرن و روند عادی‌سازی روابط با فرمول جدید به رهبری آشکار و پنهان عربستان سعودی همچنین منویات رژیم صهیونیستی در تضعیف پادشاهی اردن است. در مواجهه با این واقعه، باید به مسئله تشدید تخاصم پنهان میان اردن و عربستان توجه ویژه داشت. آنچه این تحولات نشان می‌دهد چیزی جز این نیست که اتکای اردن به عربستان و رژیم صهیونیستی برای تضمین بقای خود، رویکردی ناکارآمد است و توجه به محور عراق - اردن - مصر برای پادشاهی هاشمی مفیدتر به‌نظر می‌رسد.